

اصول و مبانی مکتب سیاسی نجف

مهدی بشارت

با مقدمه: دکتر جلال درخش

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی: ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



فروشگاه امام صادق (ع)

اصول و مبانی مکتب سیاسی نجف ■ خالیف: مهدی بشارت ■ بامقدمه: دکتر جلال درخشه
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ ویراستار ادبی: محمد رضا موسوی ■ نمایه‌سازی: رضا دیبا
چاپ اول: ۱۳۹۰ ■ قیمت: ۲۵۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۶۱-۳

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: بشارت، مهدی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور: اصول و مبانی مکتب سیاسی نجف / مهدی بشارت؛ بامقدمه
جلال درخشه.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، معاونت پژوهشی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۱۶۱-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص، ۱۱۵ - ۱۲۳.
یادداشت: نمایه.
موضوع: حوزه علمیه نجف -- تاریخ
موضوع: شیعه و سیاست
موضوع: شیعه -- عراق -- جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع: امامت
موضوع: مجتهدان و علما -- عراق -- نجف -- فعالیت‌های سیاسی
شناسه افزوده: درخشه، جلال، ۱۳۴۲ -، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)، معاونت پژوهشی
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ / ۲۳۱ / ۲۳۱ BP
رده بندی دیویی: ۳۸۳۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۳۱۹۵۱

فهرست مطالب

۹	 سخن ناشر
۱۱	 پیش گفتار
۱۷	 مقدمه
۲۳	 فصل اول. تبارشناسی شیعه
۲۵	 مقدمه
۲۸	 ۱-۱. رویکرد تاریخی
۲۸	 ۱-۱-۱. عصر امامت
۳۵	 ۱-۲. دوران مرجعیت
۴۰	 ۲-۱. رویکرد اندیشه‌ای
۴۰	 ۱-۲-۱. عصر امامت
۴۰	 ۱-۲-۱-۱. امامت
۴۳	 الف. نصب امام
۴۳	 ب. آیات قرآن در مورد نصب امام
۴۴	 ج. احادیث پیامبر در مورد نصب امام
۴۵	 ۱-۲-۱. عصمت امام
۴۷	 ۱-۲-۳. نظریه ولایت

۴۹	۲-۲-۱. مسأله غیبت.....
۵۰	۲-۲-۱. سازمان رهبری شیعه در عصر غیبت صفرا.....
۵۲	۲-۲-۲-۱. نقش ارتباطی نایبان چهارگانه و کارگزاران آنان در دوران غیبت صفرا.....
۵۳	۲-۳. عصر مرجعیت.....
۵۶	۲-۳-۱. دوران رویکرد به سلطان جاتر.....
۵۹	۲-۳-۲-۱. دوران مشروعیت دادن به سلطان عادل.....
۵۹	الف. دوره صفویه.....
۶۲	ب. دوره قاجاریه.....
۶۴	۲-۳-۲-۱. مشروطیت و رویکرد به حکومت مردمی و عرفی.....
۷۰	۲-۳-۲-۱. امام خمینی (ره) و نظریه ولایت فقیه.....
۷۲	الف. سابقه بحث ولایت فقیه.....
۷۴	ب. امام خمینی (ره) و مسأله ولایت فقیه.....
۷۷	جمع‌بندی.....
۸۰	یادداشت‌ها.....
۸۷	فصل دوم: تاریخ حوزه علمیه نجف.....
۸۹	مقدمه.....
۹۱	۱-۲. پیشینه تاریخی حوزه نجف.....
۹۱	۲-۱-۱. پیدایش حوزه علمیه نجف.....
۹۱	۲-۱-۲. بنیان‌گذار حوزه علمیه نجف.....
۹۳	۲-۲. ادوار تاریخی حوزه نجف.....
۹۳	۲-۲-۱. دوره اول.....
۹۴	۲-۲-۲. دوره دوم.....
۹۵	۲-۲-۳. دوره سوم.....

۹۷.....	۴-۲-۲. دوره چهارم.....
۹۸.....	۵-۲-۲. دوره پنجم.....
۱۰۱.....	جمع بندی.....
۱۰۳.....	یادداشت ها.....
۱۰۵.....	نتیجه گیری.....
۱۱۵.....	منابع و مأخذ.....
۱۲۵.....	نمایه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
 (قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد. زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متاثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی -

پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلبیه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیش‌گفتار

بنیادهای اسلامی حوزه احیاء اندیشه سیاسی تشیع در دوران معاصر را باید متأثر از سه مکتب سیاسی دانست که با دست توانای مجتهدان والامقامی چون میرزای شیرازی، شیخ فضل‌الله نوری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی و حضرت امام خمینی (ره) پایه‌ریزی شد. این سه مکتب، با ایجاد تحول اساسی در فهم سیاسی شیعه، بنیاد سیاست و شریعت را در دوران معاصر دگرگون ساختند و با مایه‌های دینی سیاست، طرحی نو در انداختند. مکتب سامرا، مکتب نجف و مکتب قم عصاره همه تلاش‌های گسترده روحانیت شیعه در حوزه معرفت سیاسی در دوران معاصر است که ساختارهای اساسی قدرت سیاسی را بر مفهوم ولایت بازسازی کردند.

مکتب سامرا در حدود سال‌های ۱۲۹۱ق توسط میرزای شیرازی در حوزه علمیه سامرا پایه‌ریزی شد. نحوه آموزه‌های میرزای شیرازی و حساسیت وی به حیات اجتماعی مسلمانان و اقبال او به معرفت سیاسی باعث گردید که پس از مدت کوتاهی حلقه بسیار مهمی از فقها و مجتهدین شیعه در حوزه علمیه سامرا گرد هم آیند. بزرگانی چون آخوند خراسانی، شیخ فضل‌الله نوری، حاج آقا نورالله اصفهانی، میرزای نائینی و... که هر کدام

اسوه فقاہت و سیاست تاریخ معاصر ایران و شیعه به حساب می‌آیند از پرورش یافتگان این مکتب‌اند. از روی داده‌های مهم تاریخی جهان اسلام که از حوزه علمیه سامرا رهبری و هدایت شد، نهضت اسلامی تحریم تنباکو می‌باشد که با جمله کوتاه و تاریخی میرزای شیرازی «الیوم استعمال تنباکو و نتون بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) است» قیامی را بر ضد سلطه بیگانه رغم زد. نهضت تنباکو گرچه اولین نهضت مرجعیت شیعه بر ضد استبداد و بیگانه نبود، ولی اولین تجربه مبارزه هم‌زمان با استبداد داخلی و استعمار خارجی بود که به پیروزی هم رسید. پس از رحلت میرزای شیرازی، اهداف، اندیشه‌ها و روش‌های مکتب سامرا توسط شیخ فضل‌الله نوری تعقیب می‌گردد و در جریان جنبش مشروطه خواهی در ایران در قالب مبانی جنبش مشروطه مشروعه ارائه می‌شود.

مکتب سیاسی نجف، برآیند بخشی از تحولات سیاسی، اجتماعی دنیای شیعه در قرون اخیر است که در جریان تحولات جنبش مشروطه به دست توانای آخوند خراسانی در حدود سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۲۸۵ در نجف اشرف پایه‌ریزی می‌شود. این مکتب، پس از پایه‌ریزی خود در همان ابتدای شکل‌گیری حلقه‌ای از مجتهدان و فقهای گران‌قدر را به گرد خود سازمان‌دهی می‌کند که بعدها بر بخش اعظمی از اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در دوران معاصر تأثیر مستقیم می‌گذارد. میرزای نائینی، ملا عبدالله مازندرانی، حاج میرزا حسین تهرانی، حاج آقا نورالله اصفهانی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید ابوالقاسم کاشانی و عده‌ای دیگر از فقها و مجتهدان شیعه حلقه علمای مکتب نجف را تکمیل می‌کردند که نقش آن‌ها در تاریخ سیاسی شیعه مورد انکار هیچ محقق و مورخی نیست. مکتب نجف هر چند

زائیده آموزش‌های سیاسی مرحوم میرزای شیرازی و مکتب سامراست اما، در درک سیاسی و انطباق آن با جامعه اسلامی، روش و بینش نوینی اتخاذ می‌کند که تا حدود زیادی با روش استاد و مکتب سامرا متفاوت است. این تفاوت به‌ویژه در انطباق سیاست و شریعت، تعمیم ولایت در حوزه سیاست، ایجاد نظام سیاسی مبتنی بر شریعت و کیفیت و تدوین قواعد و قوانین این نظام سیاسی آشکارتر می‌شود. در آغاز سده بیستم میلادی، حوزه نجف، در شکل دادن به حوادث و دخالت در سرنوشت و شؤون همه کشورهای اسلامی، به‌ویژه سرزمین‌های شیعی، اهمیتی آشکار داشت که به عنوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های این تأثیرگذاری می‌توان از نقش و حضور علمای حوزه نجف مانند آخوند خراسانی و میرزای نائینی در جریان انقلاب مشروطه ایران نام برد و نیز به عمل‌کرد علمای این حوزه در مقابل استعمار خارجی انگلیس در عراق می‌توان اشاره کرد.

اساسی‌ترین دست‌آوردهای سیاسی شیعه در قرن اخیر را باید در تأملات سیاسی بنیان‌گذاران و پیروان مکتب قم جستجو نمود. مکتب قم حاصل تلاش‌های بزرگانی چون شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله بروجردی و امام خمینی (ره) می‌باشد که از حدود سال‌های دهه چهل شمسی وارد مبارزه‌ای همه‌جانبه با رژیم پهلوی شد و در کمتر از سه دهه مبارزه سازش‌ناپذیر، رژیم سلطنتی ایران را ساقط و نظام جمهوری اسلامی را برپای آموزه‌های مکتب تشیع پایه‌ریزی کرد. در تاریخ معاصر شیعه، دو حرکت بسیار باشکوه متأثر از مکتب سیاسی قم به‌وقوع پیوست که دقیقاً مبتنی بر هم و هر یک در تداوم دیگری بوده است. حرکت اول قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ش است و حرکت دوم انقلاب اسلامی ایران است که این رخداد در

حقیقت عصاره تمامی مجاهدت‌های شیعه برای پایه‌ریزی یک نظام سیاسی پر قدرت مبتنی بر شریعت می‌باشد که در اثر آن نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه شکل می‌گیرد و حیات سیاسی شیعه را وارد مرحله جدیدی می‌نماید که در تاریخ تشیع بی‌سابقه است.

آنچه در این کتاب به دنبال آن هستیم بررسی اصول و مبانی مکتب سیاسی نجف به عنوان یکی از سه مکتب سیاسی دوران معاصر در میان شیعیان است، که هنوز هم نگرش سیاسی علمای نجف عاملی تأثیرگذار در میان بسیاری از شیعیان می‌باشد و با توجه به تحولات اخیر که بعد از سقوط دیکتاتوری بعثی در عراق رخ داده است می‌تواند نقشی تعیین کننده در سرنوشت سیاسی شیعیان عراق و هم‌چنین شیعیان منطقه خلیج فارس ایفا نماید.

به همین منظور سعی شده است تا به پرسش‌های زیر پیرامون مکتب سیاسی نجف پاسخ داده شود:

- ۱- شاخص‌های اصلی مکتب سیاسی نجف چیست؟
 - ۲- زمینه‌های فکری و تاریخی مکتب سیاسی نجف چیست؟
 - ۳- عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری مکتب سیاسی نجف چیست؟
 - ۴- افراد فعال و شاخص مکتب نجف چه کسانی هستند؟
- بر این اساس این پژوهش در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول به تبارشناسی شیعه در دو بعد تاریخی و اندیشه‌ای می‌پردازد. در روی‌کرد اندیشه‌ای تاریخ تشیع به دو عصر امامت و مرجعیت تقسیم شده و اندیشه سیاسی شیعه در این دو دوره مورد بررسی قرار گرفته است. که دوره اول عصر امامت است و دوره دوم عصر مرجعیت که خود به چهار دوره تقسیم

می‌شود: ۱- دوران روی‌کرد به سلطان جائز، ۲- دوران مشروعیت دادن به سلطان عادل، ۳- دوران مشروطه و روی‌کرد به حکومت عرفی و مردمی، ۴- دوران نظریه ولایت فقیه.

در فصل دوم به تاریخچه حوزه علمیه نجف پرداخته می‌شود. در این فصل تاریخ پیدایش حوزه نجف، بنیان‌گذار آن و همچنین ادوار تاریخی آن که شامل پنج دوره است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل سوم به بررسی اندیشه و عمل سیاسی اندیشمندان مطرح حوزه علمیه نجف در دوره معاصر می‌پردازد، به همین منظور حیات سیاسی و اجتماعی آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خونی و سید محمد باقر صدر مورد بررسی قرار گرفته و نقش و تأثیرگذاری آن‌ها در حوادث و وقایع دوره معاصر از جمله انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی عراق، مقابله با استبداد رضاشاهی، حمایت از نهضت اسلامی ایران و... بررسی شده است. فصل پنجم که اصلی‌ترین بخش و در واقع هدف از انجام این پژوهش می‌باشد، به بررسی اصول و مبانی مکتب سیاسی نجف اختصاص دارد. سرفصل‌های اصلی این بخش عبارتند از: ۱- اصول‌گرایی (اصولی بودن در مقابل اخباری‌گری) که به بیان اندیشه‌های اصولی علمای نجف و تأثیر آن در فعالیت و اندیشه سیاسی ایشان می‌پردازد. ۲- بازشناسی جایگاه شریعت در سیاست که در این قسمت فعالیت سیاسی علمای نجف و در واقع اهتمام ایشان به زندگی سیاسی و اجتماعی شیعیان مورد توجه قرار می‌گیرد. ۳- مواجهه غیر انفعالی با تمدن غرب، که به نحوه برخورد علمای مکتب نجف با اندیشه‌های وارداتی از غرب در غالب بحث‌هایی مانند مساوات، آزادی، قانون‌گرایی و... می‌پردازد.

۴- ولایت فقیه در اندیشه علمای مکتب نجف، در این بخش نظرات علمای مکتب نجف در رابطه با ولایت فقیه و حدود اختیارات ولی فقیه در عصر غیبت مورد بررسی قرار می‌گیرد. ۵- سلطنت مشروطه حکومت مورد نظر علمای نجف، که به بررسی جایگاه حکومت مشروطه و مشروطه‌خواهی در اندیشه علمای مکتب نجف اختصاص دارد. ۶- مقابله با نفوذ بیگانگان، در این قسمت به بیان مهارزات علمای مکتب نجف با نفوذ بیگانگان در سرزمین‌های اسلامی پرداخته می‌شود.

مقدمه

تجزیه و تحلیل اندیشه سیاسی شیعه طی بیش از یک قرن اخیر چه از جنبه‌های نظری آن و چه تاریخی و چه از نظر تأثیری که بر زندگی عمومی شیعیان گذشته است از اهمیت بنیادی برخوردار می‌باشد. فرآیند شکل‌گیری و بسط اندیشه سیاسی شیعه در دوران معاصر را باید در ذیل مقولات متعددی چون کوشش‌های پیگیر برای کسب آزادی‌های سیاسی و رهایی از استبداد، استقلال از استعمار خارجی و بازیابی هویت دینی و صیانت از آن جستجو نمود. در عین حال برای دریافت درستی این فرایند باید از اولویت موجه به ایجاد یک جامعه عادلانه در بنیادهای اعتقادی و نظام فکری شیعه گفت‌گو و ارزیابی نمود.

شیعیان در دروه معاصر به شکل بی‌سابقه‌ی فعالانه در عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی حضور داشته و از خود نشاط فوق‌العاده‌ای بروز داده‌اند. این پویایی را به‌ویژه باید در ارتباط با توانمندی‌های درونی اندیشه شیعی و در چارچوب اصولی چون اجتهاد و مرجعیت جستجو نمود که به شکل شگرفی توانسته در تبدیل این توانمندی‌ها به تجدید شکل آیین و ایجاد حرکت‌های مردمی موثر واقع شود و بدین‌ترتیب سهم مهمی را در ارتباط با

تحولات معاصر جهان اسلام و مسائل بین‌المللی به خود اختصاص دهد. فتوای میرزایی شیرازی در تحریم تنباکو و نهضت تنباکو، انقلاب مشروطیت ایران، شرکت موثر روحانیت ایران در ملی شدن صنعت نفت، انقلاب عراق، نهضت خرداد ۴۲ به انقلاب اسلامی ایران و در ادامه فعالیت‌های حزب‌الله لبنان، شیعیان عراق، همگی گویای این نقش می‌باشد.

تردیدی نیست که این نوع پویای و نشاط در عین حالی که از ریشه‌ها و دستگاه فکری شیعه ناشی شده است تحت تأثیر تماس‌های روزافزون جوامع اسلامی با غرب و ورود اندیشه‌های غربی قرار داشته است که در نوع می‌توان آن را در چارچوب واکنشی به ورود اندیشه‌های غربی به جوامع اسلامی تحلیل نمود به نحوی که به ایجاد شک و تردید نسبت به فرآیند زندگی و مناسبات سیاسی گذشته را در میان از علمای شیعه منجی شده است. ورود اندیشه‌های نوین غربی باعث گردید که احساس خطر شدیدی در میان آنان به وجود آید از این رو فراتر از بحث‌های فقهی و فکری در حوزه مباحث مربوط به حاکمیت سیاسی که در تشدید صوره صورت سستی در مراکز علمی و مباحثاتی مورد بررسی و توجه واقع می‌شد، ایجاد یک جشن مشترک در میان جامعه شیعه برای منابع یا چنین چالشی اهمیت فراوانی یافت. به همین جهت طی بیش از یک قرن از شکل‌گیری حکومت قاجاریه یا انقلاب مشروطیت در ایران ملاحظه می‌شود که علمای شیعه به تدریج نقش پیش‌تری را در مناسبات سیاسی و اجتماعی پذیرا می‌شوند.

در این میان باید از نقش تغییر روش شناسی استنباط و فهم احکام در فقه شیعه نیز صحبت به میان آورد. تردیدی نیست که کوشش‌های علامه وحید بهسیانی و غلبه روش شناسی اصولی بر اخباری‌گری، زمینه‌های بر قوام

را برای بازاندیشی و بازپروری اندیشه سیاسی شیعه فراهم ساخت و به دنبال خود مناظرات و مباحثات مهمی را در پی داشت و هر چند این تغییر اصول بر سر مسائل روش شناختی فنن فقهی بود ولی برداشت‌های بر برداشت‌های سیاسی تفکر شیعی به‌ویژه بر دلیل شکل‌گیری مرجعیت فقهی سیاسی فقهای شیعه تأثیر وصف ناپذیری داشت.

کوشش‌های اصولیون باعث گردید که فقه شیعه به صورت یک حقوق منطقی پیش‌رفته و موافق با عقل و هماهنگ با نیازهای زمان ارائه گردد و تکلیف مجتهدان نیز با وضوح بیش‌تری تعیین شود موضوعی که در سراسر دو قرن اخیر بر تفکر و عمل کرد مجتهدان اثر گذاشت در نگرش اخباریون، وظیفه فقها در زمان غیبت رجوع به احادیث و نتیجه‌گیری از روی اخبار بود و هیچ فقیهی صلاحیت بیش از آن نداشت بنابراین ادله حکم شرعی فقط کتاب و سنت به‌شمار آمد و حجیت عقلی در کشف احکام شرعی مورد قبول نبود و بالمال نقادی مجتهد به شدت کاهش یافته و نقش عقلانی عملی وی را محدود می‌ساخت به عبارت دیگر اخباریون یار دخالته عقلی و نظریه اندیشه شیعه را سخت محدود نمودند این در حالی است که اصولیون با تأکید بر عقلی در فهم و استنباط احکام شرعی فضای فکری منصف‌تر و مطلوبی را برای شکل‌دهی و انسجام نظام فکر سیاسی شیعه به‌وجود آورده و به‌ویژه به مردم معتقد به رهبری پویا و نظام یافته و مسئولیت‌پذیر را عرضه می‌داشت. در هر حال در دوره معاصر اگر نیروی اصول‌گرایان بر اخباریون نبود، دستگاه اجتهادی شیعه و مرجعیت امروزی و کارکردهای تاریخی آن ظهور نمی‌یافت. این روند بالمال موجب گردید که نقش رهبری مجتهدان به نحو روشنی در میان مردم نهادیه شده و بدین ترتیب بنیاد اجتهاد نوین شیعه

استوار و تعمیم یافت. آموزه‌های اصولی با پذیرش حجیت علل و حق اجتهاد مجتهد، ذهن شیعی را پذیرای تحولات سیاسی و اجتماعی و پرسش‌گری بیش‌تر در باب مناسبات اجتماعی و سیاسی نمود و نسبت به توانایی یک انسان مسلمان در تنظیم این مناسبات اطمینان ایجاد کرد.

نهادینه شدن جایگاه مجتهدان و تاکید بر ضرورت سیره از آنان در از بین بردن و ادارگی و رخوت فکری حقوق و سیاسی شیعه اثر خوبی داشت و تا حدود قابل توجهی قیود موجود را از اندیشه و عقلی باز نمود و برداشت منعطف‌تری از کاربرد فقه را در مسائل مبتلا به جامعه ارائه کرد.

در کنار آنچه ذکر شده نکته مهم دیگری که در سیاسی شدن علمای شیعه از دوره حائز اهمیت است و آن توسعه استبداد و هم‌کاری وابستگی سیاستمداران با بیگانگان بود که فراتر از نامشروع بودن آن ابرزاری برای ستم‌گری علیه مردم به‌شمار می‌آمد و دست‌اندازی آنان را بر کشور آسان‌تر می‌نمود.

در عرصه دیدگاه‌های فقهی نیز دوره معاصر آغاز عصر جدیدی در پویای اندیشه سیاسی حکومتی شیعه و در کنار توسعه چشم‌گیر فقه سیاسی طرح عملی اندیشه‌های سیاسی شیعه نیز فراهم می‌گردد ولی فراتر از همه این‌ها حضور و تأثیرگذاری رهبران شیعه در حرکت‌های سیاسی ضد استبدادی و استعماری است. پرسش‌های نوینی که پیشا روی فقه شیعه قرار می‌گیرد الزامی اساسی را برای فقها و علمای شیعه در جریان و برداشت دید علمای سیاسی شکل می‌دهد و به‌تدریج دوره‌های آغاز می‌گردد که فقها و علمای شیعه حضور مستقیم که در سیاست را ضروری می‌دانند، شکل‌گیری مکاتب سه‌گانه فکری سیاسی سامرا، نجف قم در همین راستا باید ارزیابی

نمود که علی رغم تفاوت‌هایی که این سه مکتب فکری با یک‌دیگر دارند درک شرایط و ضرورت دخالت در عرصه سیاست در مبارزه استبداد و استعمار مشترک می‌بیند

این سه مکتب به صورت مستقیم نه تنها و تجدید حیات تفکر شیعی بسیار موثری داشته بلکه بازاندیش تفکر شیعی تحولی اساسی را در فهم شیعه ایجاد نمود و اساسی برداشت دینی دگرگون ساختند به نحوی باید تصریح نمود این سه مکتب بنیان و اساس کوشش‌های متفکران و علمای شیعه در حوزه موقف دین و سیاست در دوره معاصر است که در چارچوب مقوله امامت در لایح بیان‌های تفکر سیاسی شیعه را در عصر جدید بازسازی نمود.

دکتر جلال درخشه